

سبک‌شناسی دیوان املائی بخارایی و معرفی نسخ خطی آن

طاهره صفوی نژاد، جلیل نظری*، محمدرضا معصومی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

اسفند ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۸۲، صص ۴۳-۲۲

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.15.6649

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

هدف و زمینه: املائی بخارایی از شاعران عارف‌مسلك منطقه ورارود آسیای مرکزی است که سیروسلوک عارفانه را در خدمت پیران خویش طی نموده و به مقامات یقین نائل آمده است. غزلیاتش مشحون از اصطلاحات و رموز عرفانی است. هدف از انجام این مقاله بررسی سبک‌شناسی دیوان املائی بخارایی و معرفی نسخ خطی آن است.

روش مطالعه: این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است.

یافته‌ها: سبک شعری املا بیشتر متمایل به سبک عراقی است و از اشعار حافظ بسیار تأثیر پذیرفته است؛ البته خصایصی از سبک هندی را هم میتوان در اشعارش یافت که این موضوع نشان می‌دهد اشعارش ویژگیهای دو سبک عراقی و هندی را با هم داراست.

نتیجه‌گیری: از نظر زبانی، شعر املا بسیار ساده و روان است و تأثیرپذیری از زبان کهن فارسی و زبان عربی در آن بسیار اندک است. ترکیبات خلاقانه و زیبا، شعر غالباً مردف با ردیفهای گوناگون و نو، از دیگر ویژگیهای شعر او در سطح زبانی است. از نظر ادبی تنوع و گوناگونی فنون بلاغی در شعر او بسیار زیاد است. تقریباً تمامی انواع پرکاربرد فنون بلاغی در شعر او وجود دارد. در این میان تشبیه از میان صنایع بیانی و جناس از میان صنایع بدیعی، بیشترین بسامد را در شعر او به خود اختصاص میدهد. از نظر فکری نیز عشق و عرفان دو مضمون غالب و یکه‌تاز در دیوان شعر بخاری است. مضامین زندانه و اشاره کمابیش زیاد به آیات و احادیث نیز از دیگر ویژگیهای شعر او در این سطح است. معشوق در شعر املا مانند اشعار حافظ چندوجهی است؛ هم میتواند زمینی و هم آسمانی باشد. درهرحال دارای ویژگیهایی چون بیرحمی، بیوفایی، سرکشی، و دور از دسترس بودن میباشد.

تاریخ دریافت: ۰۵ بهمن ۱۴۰۰

تاریخ داوری: ۰۶ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ اصلاح: ۱۷ اسفند ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش: ۰۷ اردیبهشت ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

دیوان غزلیات، املائی بخارایی، ویژگیهای سبکی.

* نویسنده مسئول:

J.nazari@iauyasooj.ac.ir

۳۳۳۱۳۲۱۳ (۹۸ ۷۴)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of Emla Bukhara's divan and introduction of its manuscript

T. Safavi Nejad, J. Nazari*, M.R. Masoumi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 25 January 2022
 Reviewed: 25 February 2022
 Revised: 08 March 2022
 Accepted: 27 April 2022

KEYWORDS

Divan Ghazaliat, Emla Bukhara, stylistic features

*Corresponding Author

[✉ J.nazari@iauyasooj.ac.ir](mailto:J.nazari@iauyasooj.ac.ir)

[☎ \(+98 74\) 33313213](tel:+987433313213)

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Emla Bukhara is one of the mystic poets of the Vararoud region of Central Asia who has undergone a mystical cirrhosis in the service of his elders and has reached the authorities of certainty. His lyric poems are full of mystical terms and mysteries. The purpose of this article is to study the style of Bukhara's orthography and to introduce its manuscript.

METHODOLOGY: This research was a descriptive-analytical method.

FINDINGS: The poetic style of Emla is more inclined to the Iraqi style and has been greatly influenced by Hafez's poems; Of course, features of the Indian style can also be found in his poems, which shows that his poems have the characteristics of both Iraqi and Indian styles

CONCLUSION: Linguistically, Emla poetry is very simple and fluent, and the influence of ancient Persian and Arabic is very low. Creative and beautiful compositions, often popular poetry with different and new lines, are other features of his poetry at the linguistic level. Literally, there is a great variety of rhetorical techniques in his poetry. There are almost all kinds of widely used rhetorical techniques in his poetry. In the meanwhile, simile among the expressive industries and puns among the novelty industries have the highest frequency in his poetry. Intellectually, love and mysticism are the two dominant and unique themes in Bukhari's poetry collection. Rendaneh themes and more or less references to Nir verses and hadiths are other features of his poetry at this level. The lover in Emla's poetry is like the poems of Hafez; It can be both earthly and celestial. However, it has characteristics such as cruelty, unfaithfulness, rebellion, and inaccessibility.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.15.6649](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.15.6649)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 10	 0	 0

مقدمه

شعر فارسی از آغاز تا کنون دوره‌ها و سبک‌های مختلفی را پشت سر گذاشته است و هرکدام در نوع خود ویژگی‌های مشخصی دارند که این سبک‌ها را از یکدیگر متمایز می‌سازد؛ بنابراین شاعران هر سبک شعری، در سرایش اشعار خویش خواسته یا ناخواسته سازوکارها و قوانین آن سبک را رعایت می‌کنند تا جایی که ناقدان سخن با خواندن هر شعر و پی بردن به ویژگی‌های آن می‌توانند سبک شعری آن را مشخص نمایند. بنابراین اگر شعری یافت شود که از دوره و سراینده آن اطلاع کافی در دست نباشد، می‌توان با ویژگی‌های سبکی آن تا حد زیادی به دوره سرایش آن پی برد. شاخصه‌های زیادی می‌توان نام برد که می‌توانند در شکلگیری یک سبک شعری نقش داشته باشند. هرگاه بخواهیم سبک شعری یک شاعر را در ترازوی نقد قرار دهیم و شیوه شاعری او را ارزیابی کنیم، تنها از طریق ورود به حوزه‌های زبانی و بلاغی او امکانپذیر خواهد بود. آنچه در ذهن شاعر نقش می‌بندد، تنها در قالب زبان می‌تواند بیان شود، اما شیوه بیان او به عوامل بستگی دارد که همان شاخص‌های سبک شعری او بحساب می‌آیند. هر شاعر خواه ناخواه نه تنها از سراینندگان سلف خویش متأثر است، اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه او بر سبک شعریش تأثیرگذار خواهد بود. در بررسی یک سبک، همواره سه مقوله مدنظر است و در ارزیابی آن مطرح می‌شود که عبارتند از سطح زبانی، سطح ادبی و سطح فکری. در سطح زبانی به تحلیل نشانه‌های موجود در زبانی خاص پرداخته می‌شود تا بدین طریق بتوان قوانین عام آن زبان را کشف نمود؛ قوانینی که می‌تواند هنجارهای ثابت و معیارهای مشخصی را در اختیار اهل زبان قرار دهد و به توصیف نظام‌مند آواها، اجزای کلام، ساختارهای نحوی و واژگان بپردازد. اما در سطح ادبی تکیه اصلی بر مشخصه‌ها و ویژگی‌های بارز اثری خاص است که آن را در بهره‌گیری از امکانات زبانی تا حد زیادی متمایز می‌کند. از اهداف مهم این سطح می‌توان به عدول از قوانین عام زبانی در آثار نویسندگان و گویندگان برجسته اشاره کرد؛ اما در سطح فکری به افکار و اندیشه‌های مطرح در اثر ادبی پرداخته می‌شود و درحقیقت اندیشه‌ها و افکاری که تشخیص سبکی ایجاد مینمایند، معرفی می‌شوند. در این پژوهش به بررسی سبک‌شناسانه اشعار املای بخاری، شاعر قرن دوازدهم هجری، پرداخته می‌شود. او از شاعران برجسته تاجیک است که تا کنون شعر او از این منظر مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است.

سابقه پژوهش

در باره زندگینامه املای بخارایی، عابدجان بیک‌نظر محمودزاده (۱۳۹۶) مقاله‌ای کوتاه با عنوان «درنگی در زمانه و زندگی املای بخارایی» به نگارش درآورده است. همچنین تا کنون فقط یک تصحیح از یک نسخه دیوان بخارایی بدون تعلیقات، بوسیله حبیب صفرزاده، صورت گرفته است. تاکنون هیچگونه تحقیقی درمورد دیوان وی از جنبه‌های مختلف از جمله سبک‌شناسی و زیبایی‌های ادبی صورت نگرفته است. دیوان او ویژگی‌های منحصر بفردی دارد که مطالعه و تحقیق را در این مورد می‌طلبد و از این جهت کاری جدید و بکر خواهد بود.

بحث و بررسی

معرفی املای بخارایی

املای بخارایی یکی از شاعران و عارفان برجسته تاجیک سرزمین ورارود است. «طبق معلومات آثار تاریخی نام و نسب شاعر ملامحمد بن علاالدین ابن عزیز بن شیخ یوسف‌الدین بن هارون خواجه عرب بوده، املا تخلص شاعری و بخارا نسبت اوست» (محمودزاده، ۱۳۹۶: ۱۹۷). محترم در تذکره/شعرا آورده که «املا در اصل از بلخ بوده است»

(محترم، ۱۹۷۵: ۱۷). در موضوع زادگاه املا، که شهر بلخ یا محله سنگارک بلخ بوده است، شک و شبهه‌ای نیست و به این حقیقت خود شاعر هم در اشعارش اشاره کرده است:

افتاده‌ام در گوشهٔ غربت در انتظار	در حیرتم، کز که بجویم نشان بلخ
آمد نشان و نخل امیدم ثمر نداد	شد خشک ناگشوده گل ارغوان بلخ
املا گذشت عمر عزیزش هزار حیف	در فکر صلح حسن و خط نوخطان بلخ (۱۱۵)

بنابراین املا اصولاً میبایست به املائی بلخی مشهور میشد، ولی نسبت بخارایی داشتن او به آن سبب بوده است که در این شهر به کمال رسیده، شهرت و مقام ادبی کسب کرده و صدرالدین عینی هم به این موضوع اشاره کرده است: «املا در بخارا نشوونما یافته است» (عینی، ۱۹۲۶: ۱۷۱). بنابر اطلاعات اندک موجود در کتاب *نمونهٔ ادبیات تاجیک*، اثر صدرالدین عینی، املا بقصد تحصیل علوم دینی به بخارای شریف رفته و در آن شهر ادامهٔ حیات داده است و بعدها بعنوان یکی از نمایندگان ادبیات فارسی عصر خود ماندگاری یافته است (همان: ۱۷۱). «زادگاه املا، بلخ و نامش محمود بوده است. املا مرید میرزا بهادر و از اصحاب حاجی حبیب‌الله بوده و دیوان خواجه حافظ را تتبع کرده است. او چهار دیوان شعر داشته و اسرار عشق را در آن دفترها اظهار نموده است. املا سال ۱۱۶۴ ه. ق. فوت کرده است. در تاریخ وفات او گفته‌اند:

گفت در گوش من خرد صد بار
پیر کامل از این جهان رفتند

از دیگر منابعی که دربارهٔ زندگی املائی بخاری اطلاعات اندک، اما سودبخشی را در اختیار ما میگذارد، کتاب «تحفه الزائرین» ناصرالدین توره بخارایی، از شاهزادگان سلسلهٔ منقیتی بخارا، میباشد. از آنجاکه مؤلف این کتاب، بیشتر به مقام و مسلک عرفانی املائی بخارایی اشاره نموده است، برمی‌آید که املا نه‌تنها شاعر برجستهٔ عصر خود، بلکه از پیشوایان معارف نیز بشمار میرفته است. بنابر گواهی این صاحب‌نظران، ایشان در طریقت تصوف از چهار پیر و مرشد متابعت کرده‌اند: پیر اول در سلوک عشقیه حضرت شیخ بابا حضرت ابوالحسن عشقی، پیر دوم در سلوک کبرویه حضرت شیخ میرزا بهادر شیربدنی علیه رحمه، پیر سوم در سلوک جهریه حضرت شیخ عزیزان و پیر چهارم در سلوک خفیه حضرت شیخ خواجه پادشاه سلیم بلخی (ر. ک: بخارایی، ۱۳۹۰: ۵-۷). دربارهٔ سال تولد املا در آثار و تذکرها اختلاف نظر وجود دارد و سند دقیقی در این مورد یافت نشد. صفرزاده در مقدمهٔ دیوان بخارایی که از روی یکی از نسخ خطی تصحیح و چاپ کرده، تولد وی را در سال ۱۰۹۹ یا ۱۱۰۰ هجری قمری در منطقهٔ سنگارک ولایت بلخ افغانستان کنونی ذکر کرده است. عینی در کتاب *نمونهٔ ادبیات تاجیک* سال ۱۱۶۲ را برای وفات املا آورده است (عینی، ۱۹۲۶: ۱۷۱). «در بعضی مأخذها از آن جمله «انسیکلوپدیه ادبیات و صنعت تاجیک» تاریخ تولد شاعر سال ۱۶۸۸ ذکر شده است» (محمودزاده، ۱۳۹۶: ۱۹۸). البته بنظر میرسد که تاریخ ۱۶۸۸ نمیتواند صحیح باشد، چراکه خود املا در اشعارش از شصت‌وشش و هفتادسالگی خبر داده است:

اگرچه شصت‌وشش سال است عمر من در این کاشان	چو طفل پنج‌روزه من به کار خویشتن حیران
تا معتقد به خدمت پیر مغان شدم	هفتادساله پیر بدم، نوجوان شدم

با توجه به این بیت، املائی بخارایی بیش از شصت‌وشش سال زندگی کرده است:

ز شصت و شش گذشته عمر املا صد هزاران حیف

ز بحر بیخودی یک ماهی‌ای نآمد به دست من (۳۱۱)

از اخبار مذکور چنین برمی‌آید که املا بیش از هفتاد سال زیسته است؛ بنابراین اگر به قول تذکره‌ها سال تولد وی را ۱۱۰۰ در نظر بگیریم، مسلماً تاریخ وفات او بعد از ۱۱۷۰ خواهد بود. «مزار فیض‌بار او در خیابان بخارا در قبرستان شیخ حبیب‌الله واقع گردیده است» (محترم، ۱۹۷۵: ۱۸). دربارهٔ کودکی و جوانی املا اطلاع دقیقی در دسترس نیست، فقط همینقدر میتوان گفت که او ایام کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاه خود بلخ گذرانده، سپس به مرکز علم و ادب آن زمان شهر بخارا رفته است. در بخارا کسب کمال کرده و صاحب زن و فرزند گردیده است. این موضوع را شاعر در مرثیه‌های پرسوزی که در فراق فرزندش گفته است، تصدیق میکند (محمودزاده: ۱۳۹۶: ۱۹۹).

نشکفته خزان گشت، گلم از چمنم رفت	بر باد فنا حیف از این انجمم رفت
از تیر اجل خورده به دل از غم ایام	در شهر عدم آن مه خونین کفتم رفت
آتش به دلم شعله زد از محنت ایام	تا آن گل نورسته گل پیرهنم رفت
چون گریه نسازم ز غم محنت هجران	بر چاه جفا یوسف من از چمنم رفت (۲۳۸)
رفتی تا از بر من ای گل خندان پدر	آتش افکندی به خاشاک بیابان پدر (۱۸۹)

از اشعار املا چنین برمی‌آید که وی شاعری صوفی‌مشرّب و درویش‌مسک بوده است و به دربار و مال و ثروت و صاحبان زر و زور واقعی نمینهاده است. از این منظر شکوه و شکایت در اشعار او از وضعیت نامطلوب مادی و اجتماعی او حکایت دارد.

سالها خون جگر خوردم و ره پوییدم	صید مقصود من از دامن صحرا آمد
به که گویم غم خود را به که اظهار کنم	چه المها به من از نرگس شهلا آمد (۲۱۳)

املا طبع خود را در شعر بیشتر در قالبهای غزل و رباعی آزموده، البته در دیوان وی چند مثنوی کوتاه هم یافته شده است که البته در نسخه موجود تنها یک مثنوی آمده است. مضامین شعری وی بیشتر عشق، عرفان، دین و اخلاق، ستایش، زیبادوستی و مناجات میباشد. سبک شعری وی بیشتر متمایل به سبک عراقی است و از اشعار حافظ بسیار تأثیر پذیرفته است؛ البته خصایصی از سبک هندی را هم میتوان در اشعارش یافت که این موضوع نشان میدهد اشعارش ویژگیهای دو سبک عراقی و هندی را با هم داراست.

دیوان املای بخارایی

املای بخارایی از شاعران عارف‌مسک فارسی‌گوی تاجیک در قرن دوازدهم هجری قمری است که تنها دیوان اشعاری از وی باقی مانده است که هنوز بطور کامل تصحیح نشده و از چهار نسخه خطی باقیمانده آن، تنها یک نسخه آن، یعنی نسخه‌ای که در گنجینه نسخ خطی مؤسسهٔ ابوریحان بیرونی فرهنگستان علوم ازبکستان تحت شمارهٔ ۱۰۴۷۷ نگهداری میشود، تصحیح شده که البته دسترسی به این نسخه مقدور نیست و تصحیح‌شده آن فاقد هرگونه تعلیقات است. سه نسخه دیگر، یکی در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی با شمارهٔ ثبت ۳۷۴۴۵۰، دیگری به شمارهٔ ۱۵/۱۵۵ در کتابخانهٔ آیت‌الله العظمی گلپایگانی و اطلاعات کتابخانه‌ای سومین نسخه هم در آغاز نسخه ذکر نشده است. این دیوان در کل شامل ۸۰۰ غزل و ۲۷ رباعی است که حدود ۶۰۰۰ بیت را دربرمیگیرد.

ولی کاملترین نسخه‌ای که در حال حاضر در اختیار پژوهشگر قرار دارد، شامل حدود ۷۰۰ غزل، ۲۷ رباعی و تنها یک مثنوی هفت‌بیتی است.

املا و حافظ

حافظ در هنر شاعری از پیشینیان خود بسیار متأثر است و درحقیقت پرورش‌یافتهٔ مکتب شاعران متقدم بوده است، اگرچه خرمشاهی در *حافظ‌نامه* معتقد است: «حافظ اغلب مضامین مقتبس از دیگران را از صاحبان اصلی آنها بهتر ادا میکند. تصور نمیکنم که حافظ حتی یک مضمون مقتبس را بخوبی اصل اولیه‌اش، و خوبتر از آن بازآفرینی و تکمیل نکرده باشد» (خرمشاهی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۴۰). در این میان حافظ با شاعرانی چون کمال خجندی، شاه نعمت‌الله ولی، عماد فقیه، سلمان، سنایی، خاقانی، انوری، ظهیر فاریابی، نظامی، کمال‌الدین اسماعیل، عراقی و سعدی بیشترین بده و بستان هنری را داشته است. باین حال شعر و غزل حافظ پس از او تا زمان حال، تأثیر بسزایی در حوزهٔ ادب و شعر فارسی داشته است، اگرچه هنر شاعری خواجه باعث شده غزلش تقلیدناپذیر باشد و کسی تا کنون نتوانسته است در این زمینه با او پهلو زند، بسیاری از شاعران و گویندگان، چه در ایران و چه در خارج از مرزهای ایران، از شعر حافظ تقلید کرده‌اند. غزل حافظ شعری ناب و عالی است که همگان را به تحسین واداشته است. امتیاز برجستهٔ شعر حافظ باعث شده تمامی مرزهای جغرافیایی را درنوردد. سحر سخن خواجه در روزگارش روح و روان گویندگان عراق و پارس را تسخیر خود نمود. این «قند پاری» که به «بنگاله» میرود، کام طوطیان شکرشکن هند را شیرین نمود، سیه‌چشمان کشمیری را مفتون خود ساخت و در ماوراءالنهر، آسیای مرکزی و تاجیکستان شعر و غزل حافظ را دوست میداشتند. نه‌تنها خواجه کمال‌الدین خجندی که از معاصران حافظ بوده، بلکه سخن‌سرایان تاجیک چون عصمت بخارایی، اسیری خجندی، کاشفی خجندی، و عبدالرحمان مشفق بخارایی که در گوشه‌هایی از مناطق تاجیک‌نشین آسیای مرکزی زندگی میکرده‌اند، همه تحت تأثیر خداوند غزل، خواجه حافظ، قرار گرفته‌اند. از پایه‌گذار ادبیات جدید تاجیک، علامه صدرالدین عینی، تا جوانترین شاعران امروز تاجیک، همه در غزل، حافظ را استاد برحق خویش میدانند و در پیروی بر اشعار او غزل گفته یا مخمس بسته‌اند، آثار حافظ در رشد و کمال معنوی ادیبان و شاعران این منطقه تأثیر زیاد و عمیقی دارد. شعر و غزل حافظ، بعد از او تا کنون، همواره مونس و همدم مردم آسیای میانه، ماوراءالنهر و یا ورارود بوده و پیوسته این منطقه بعنوان مهد تمدن و کانون اندیشه و افکار بالا و والا بوده است و اولین پایه‌های شعر فارسی در این حوزه بوجود آمده و نخستین خشت آن را رودکی، پدر شعر فارسی، نهاده است و مردم ادب‌پرور این سرزمین عشق و علاقهٔ زیادی به شعر و گویندگان نامدار آن داشته‌اند؛ بویژه فارسی‌زبانان و شاعران سمرقند، بخارا، خجند، خیوه، خوارزم، چاچ، دوشنبه، ترمذ و خوقند. املا بخارایی که در اصل از بلخ بوده و در بخارا نشوونما یافته است از جمله شاعران این منطقه است که اشعارش تحت تأثیر غزل‌های حافظ سروده شده است. شیوهٔ بیان غزل املا بخارایی شباهت زیادی به شعر حافظ دارد. با نگرش به ابیاتی از این غزل‌ها میتوان دریافت که بخارایی نه‌تنها از قالب و اوزان شعر حافظ استقبال کرده، بلکه اکثر اصطلاحات و واژگان خاص شعر او از جمله عشق، ساقی، رند، می، میکده، زلف، زاهد و ... را بعاریت گرفته، بدین وسیله بدنبال سبک سخنوری خواجه قدم گذاشته است. املا در همان غزل نخستین علاوه بر تضمین یک مصراع از دیوان حافظ، با همان وزن و بحر، از بسیاری از واژه‌ها و ترکیبات غزل حافظ استفاده کرده است:

ز درس عشق شاید [وا]شود قفل در دلها
ندانستم که رو آرد به من هر لحظه مشکله
نمیدانم ز حیرانی سراغ راه منزلها
ندانستم که ساکن بوده آن مه بر در دلها
فرورفته است پای لاشه‌ام در موجۀ گلها
دویدم گرچه چندیدن سال در دنبال محملها
الا یا ایها الساقی ادر کاساً و ناولها

به بحر عشق غواصی مکن منشین به ساحلها
شدم عاشق به امیدی که آسان مشکلم گردد
شراب ارغوانی خورده‌ام از ساقی باقی
ز حیرت بر سر هر کوچۀ و بازار میگیریم
ز طوفان گرانجانی چه سان طی سازم این وادی
نیامد در دلم آواز پای ناقۀ لیلی
بگو املا به دستوری که حافظ گفت با ساقی

حافظ:

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند (۲۴۶)

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

املا:

مژده از واقعه پرتو ذاتم دادند
نیمه‌شب بود که از شاه زکاتم دادند (۱۳۱)

دوش وقت سحری جام صفاتم دادند
بینوا بودم و افسرده دل و خسته جگر

شاخصه‌ای اصلی که غزل‌های املای بخارایی را به شعر خواجه شیراز نزدیک میکند، افزون بر اصطلاحات خاص شعر وی، مضمون و محتوای اشعار است که با کمترین تغییر در ترکیب واژه‌ها بیان شده است:

حافظ:

من چرا ملک جهان را به جوی نفروشم (۴۶۱)

پدرم روضه رضوان به دو گندم بفروخت

املا:

آماده کنم کرده کردار پدر را (۵۱)

چون روضه رضوان نفروشم به دو گندم

بدون شک کلیدیترین مفهوم عرفانی در دیوان حافظ، عشق است. «در دیوان حافظ سه نوع عشق یا معشوق در موازات همدیگر، یا گاه متداخل با یکدیگر ملاحظه میشود: ۱. عشق با معشوق انسانی، ۲. عشق با معشوق ادبی، ۳. عشق و معشوق عرفانی» (خرمشاهی، ۱۳۸۱: ۱۱۶۸/۲). نکته قابل توجه در مورد عشق این است که سایر اندیشه‌های حافظ به نوعی با این عشق گره خورده و با هم در ارتباط میباشند.

گنج عشق خود نهادی در دل ویران ما سایه دولت بر این کنج خراب انداختی

(حافظ: ۵۸۸)

در دیوان املا نیز عشق از جمله مفاهیم کلیدی بحساب می‌آید:

غیر داغ عشق خود بر سینه‌ام مرهم منه سبزه بیگانه را بر کن ازین گلزار ما (۱۲)

املا نیز همان مفاهیمی که حافظ در قرن هشتم در دیوانش استفاده کرده بکار برده است. در دیوان حافظ عقل و عشق پیوسته با هم در تقابل هستند و آنگاه که عشق رخ نماید، عقل بناچار سپر اندازد و عقل در برابر دریای عشق، قطره‌ای است:

قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق
چو شبنمی است که بر بحر میکشد رقمی
(۹۸)

قیاس کردم و تدبیر عقل در ره عشق

املا نیز همین نظر را دربارهٔ عقل و عشق دارد:

حیرانیم افزود ز سودای تفکر (۱۸۵)

عشق آمد و عقلم به پس پرده نهران شد

معرفی نسخه‌ها

نسخهٔ اول (نسخهٔ اساس): این نسخه در کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی با شمارهٔ ثبت ۳۷۴۴۵۰ موجود است. نام کاتب این نسخه مشخص نشد، فقط در صفحهٔ آخر نسخه اسم عبدالکریم نوشته شده که بنظر میرسد کاتب نسخه بوده است. صفحات نسخه شماره‌گذاری شده و در برگ شمارهٔ ۲، تاریخ بیست‌وهفتم ماه ربیع‌الاول به روز جمعه، آمده که البته سال را ذکر نکرده است. در صفحات آغازین کتاب قبل از شروع به نوشتن اشعار، برای برخی امراض داروهای گیاهی را آورده است از جمله در برگ ۲، داروی سوزاک را نوشته است. در برگ ۳، بیتی از دیوان حافظ را نوشته است:

اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل ما را به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

در برگ ۴، هفت بیت مثنوی آورده است. در آخر دیوان نیز ۲۷ رباعی آورده است.

در کل نسخه رسم‌الخط حفظ شده با اینکه خوش خط و زیبا نوشته نشده ولی تقریباً خواناست. برخی ویژگیهای رسم‌الخطی آن عبارتند از:

- سرهم‌نویسی واژه‌ها: هیچکس، نهانندی

- وصل «می» به فعل: میگشتم، میرفتی

- وصل کردن «ب» به کلمهٔ بعد از خود: بدل (به دل)

- در تمام نسخه بجای «گ»، «ک» آمده است.

- اتصال «را» به مفعول: ایمانرا

در نسخه کمتر اغلاط املائی دیده میشود. این نسخه دارای ۴۳۰ صفحه و هر صفحه ۱۱ بیت و در مجموع ۴۷۳۰ بیت از اشعار املائی بخاری در این نسخه آمده است.

نسخهٔ دوم: مشخصات کتابخانه‌ای این نسخه در آغاز آن ذکر نشده است. تاریخ کتابت آن در آخر چنین آمده است: «این کتاب املا مصنف مولانا محمدی بلخی را جناب ابوی مرحوم جنت‌المکان به قلم مبارک خویش در سنهٔ ۱۳۵۲ قمری و ۱۳۱۲ شمسی به تاریخ ۱۷ شهریور ربیع‌الاول به اتمام رسانیده‌اند». در صفحهٔ آغازین نسخه، متنی نگاشته شده و در آخر نام عبدالله سیرت نوشته شده که بنظر میرسد کاتب نسخه بوده است: «این کتاب را جناب استادم حضرت مخسوم صاحب میباشد که برای این کمینه خاکسار حقیرالفقیر عبدالله نالایق بطور بخشش عطا فرموده‌اند. هرکس دعوی کند دعوی او باطل است. فی تحریر لیل دوشنبه جمادی‌الاول مطابق ۱۰ دلو ۱۳۳۳. حقیرالفقیر عبدالله سیرت.

این نسخه به خط نستعلیق نوشته شده و خیلی خوش خط نیست. نویسنده هفت برگ ابتدایی را خط‌کشی کرده ولی بقیهٔ صفحات هیچ‌گونه خط‌کشی ندارد و کاتب زبانونیسی و حاشیه‌گذاری را رعایت نکرده و این موضوع تا آخر نسخه به یک روش باقی مانده است. از نظر رسم‌الخط سرهم‌نویسی، اتصال «می» به فعل، و «ب» به کلمه بسامد بالایی دارد.

نسخه سوم: این نسخه به شماره ۱۵/۱۵۵ در کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی موجود است. آخر نسخه ناقص است. در مشخصات نسخه، کاتب آن را مؤلف نوشته است. بنظر میرسد نسخه در آغاز هم افتادگی دارد؛ چراکه با دو نسخه دیگر متفاوت است. به خط نستعلیق نوشته شده و دارای ۲۱۲ برگ میباشد که بطور میانگین در هر برگ ۱۱ بیت آمده است که در مجموع تقریباً ۲۳۳۲ بیت از دیوان املای بخارایی را آورده است. در برخی برگها واژه‌ها ناخواناست. سرهم‌نویسی واژه‌ها، استفاده از «ک» بجای «گ»، اتصال «می» به افعال و «ب» به متمم از ویژگیهای بارز این نسخه است.

بررسی سبک‌شناسانه دیوان املای بخاری

سطح زبانی

زبان شعری املا بسیار ساده و روان است؛ تعداد لغات عربی غیررایج و ثقیل در آن بسیار اندک است و اثرات زبان کهن فارسی نیز در آن زیاد بچشم نمیخورد. برخی کلمات در شعر او وارد شده‌اند که در اشعار دیگران کمتر دیده میشود، مانند فرنگی‌زاده (۱۳۵ و ۱۴۸)، رفو کند (۱۳۷)، مظلوم‌نما (۲۰۱)، خانه‌نشین (۲۱۷)، مسواک (۲۵۱). همچنین برخی ایرادات زبانی و دستوری در کلام او وجود دارد. در ادامه به برخی از مهمترین ویژگیهای سبک زبانی او در اشعارش اشاره میشود.

موسیقی بیرونی (وزن): تنوع وزنی در دیوان اشعار املا بسیار زیاد است، اما پرکاربردترین اوزان، رمل و هزج هستند؛ با وجود این از بحرایی مانند مضارع، مجتث، خفیف و رجز نیز بهره برده است.

موسیقی کناری (قافیه و ردیف): در دیوان غزلیات املا عیوب قافیه یافت نشد، ولی بسامد تکرار قافیه بسیار بالا است و بیشتر از قافیه‌های خوش‌آهنگ استفاده کرده است. گاه در یک شعر، یک قافیه حتی سه بار مورد استفاده قرار گرفته است.

انواع ردیف: تنوع و گوناگونی ردیف در شعر املا بسیار بالاست. او از انواع اسم، صفت، قید، جمله، شبه‌جمله، ضمیر و حتی حرف اضافه بعنوان ردیف استفاده کرده و این امر موسیقی و خلاقیت شعر او را دوچندان کرده است. غالب اشعار او مردف هستند. در اینجا به نمونه‌هایی از انواع ردیف در شعر او اشاره میشود:

اسم: کاغذ (۱۷۱)، پدر (۱۸۹)، نوروز (۱۹۷)، رقص (۲۲۶)، جنگ (۲۵۲)، چراغ (۲۳۴)، عشق (۲۴۱)، معشوق (۲۴۷)، عاشق (۲۴۶)، دل (۲۶۰)، سنگ (۲۵۷)، فراق (۲۵۰)، غرض (۲۲۸)، هوس (۲۰۰)، عمر (۱۸۲).

مصدر یا اسم مصدر: بحث (۱۰۷)، اختلاط (۲۲۹)، فتادن (۳۳۷).

صفت: عبث (۱۰۸)، تلخ (۱۱۴)، آخر (۱۸۸)، مرخص (۲۲۷)، غلط (۲۳۰)، محفوظ (۲۳۲)، قانع (۲۳۳)، آراسته (۳۸۲)، تمام (۲۸۵)، حرام (۲۷۱)، مایل (۲۶۴)، مشکل (۲۶۳)، مشتاق (۲۴۹)، باعث (۱۰۶).

قید: هنوز (۱۹۰)، هرگز (۱۹۴)، امروز (۱۹۶)، امشب (۶۰).

حرف: را (۵۴).

ضمیر: خویش (۲۰۴)، خویشتن (۳۱۶)، همه (۳۵۷)، او (۳۵۴)، تو (۳۵۳)، من (۳۳۲)، ما (۵۲).

شبه‌جمله: دریغ (۲۳۴)، حیف (۲۳۷).

جمله خبری: باشد که نباشد (۱۶۲).

جمله تعجب و شگفتی: چه بجا شد (۱۱۸).

جمله سؤالی: چه سود؟ (۱۳۰)، چه میدانند؟ (۱۳۲)، چه کار؟ (۱۸۶)، چه کند کس؟ (۲۰۱)، چه میپرسی؟ (۴۳۴)، چه حظ؟ (۲۳۱).

فعل (صیغه‌های گوناگون): افتاد، آمد (۱۲۸)، نمیباشد (۱۶۸)، بدست آر (۱۸۲)، کنم عوض (۲۲۹)، انداختی (۴۳۱)، مسپار، مخواه (۳۷۲)، منه (۳۷۴)، مگو (۳۵۲)، میکنم (۲۹۶)، برخیزم (۲۸۱)، نمیخواهم (۲۷۸)، بنشین (۳۳۸)، گریزم (۳۰۲).

فعل وصفی: گذشته (۳۸۶)، رسیده (۳۸۵)، کرده (۳۸۴)، بسته (۳۸۱)، سوخته (۳۸۱)، آمده (۳۷۹)، رفته (۳۷۱)، گشته (۳۷۲).

تا دلم با غم عشق تو خریدار شده / جام تقوی بشکسته سر بازار شده (۳۶۳)

ترکیبی:

اسم و فعل: عشق است (۱۰۵)، دل است (۱۰۲)، آرزو است (۸۰).

صفت و فعل: حرام است (۹۹)، عاشق است (۹۰).

ضمیر + فعل: من نبود (۱۶۳)، خود کن (۳۲۷)، تو نیست (۱۰۵)، من است (۹۴).

فعل + ضمیر: میسپارمش (۲۱۳).

حرف اضافه + اسم: در بهار (۱۷۷).

ضمیر + حرف: مرا (۴۴۰)، از من (۳۳۰)، خود را (۴۹)، خویش را (۳۹).

ضمیر + اسم: من سنگ (۲۵۷).

صفت + موصوف: یک طرف (۲۴۰).

بسامد موارد کاهش واج از افزایش واج در زبان شعر املا بسیار بیشتر است. نمونه‌های کاهش نیز همان مواردی است که در اغلب متون ادبی تکرار شده است:

کاهش واج: فسانه (۷۶)، دلفکار (۸۹)، خانقه (۱۳۵)، فتاده (۱۳۵)، آگه (۱۴۲)، نگه (۱۶۱)، نکو (۱۶۲)، استاده‌ام (۲۰۵)، فسرده (۲۰۶)، درگه (۲۵۵)، پیرهن (۲۵۸)، همره (۳۲۴).

افزایش واج: اشکسته (۱۴۹).

بسامد قید با پسوند «انه»: یکی از ویژگی‌های زبانی شعر املا، بسامد قابل توجه قیودی است که با پسوند «انه» ساخته شده‌اند؛ مانند مستانه (۵۵)، جانانه (۸۰)، درویشانه (۸۲)، آهوانه، عاشقانه، جاودانه (۹۳)، مردانه (۲۰۵)، بی‌باکانه (۲۲۶).

ساخت ترکیبات بدیع و جالب: در زبان املا ترکیبات وصفی بسیاری دیده میشود که اغلب تازه و بدیع است. به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود: از خودرمیده (۵۵)، به کویت‌رسیده (۵۵)، غارت‌پیشه (۵۷)، شهادتگاه (۵۷)، گلبدن (۶۰)، نگاه نرگس دنباله‌دار (۶۳)، قطره‌وش (۶۴)، سیب‌دوش (۷۰)، خرابه محنت‌اثر (۷۱)، لیلی‌نگاه (۷۴)، آهوانه (۷۵)، شبروان جنون (۷۷)، معرکه‌آرا (۷۸)، مه خورشیدضیا (۷۹)، اشک‌به‌دامان (۸۳)، خفته‌دل (۹۰)، رند مجنون‌پیشه (۹۴)، شعله‌خو (۹۵)، پرتوفکن بزم (۱۱۱)، بیضاجبین (۱۱۹)، تاراج‌خواه (۱۲۷)، درم‌خریده حسن (۱۳۴)، قیامت‌جلوه (۱۳۶)، طاعت‌فروش (۱۳۸)، قیامتخانه (۱۳۹)، ساغرپرست (۲۱۷)، خجالت‌مند (۲۲۴)، شیرین‌ترانه (۱۶۵).

جمع مکسر: جمع مکسر و در مجموع کلمات عربی ثقیل و کم‌کاربرد در زبان شعری املا اندک شمار است: اوراق (۲۰۷)، شیاطین (۲۴۴)،

کلمات عربی: اهتمام، انتظام (۴۱)، تغافل (۴۸)، اختلاط (۶۶)، مذموم (۷۰)، ممت (۹۱)، عظام (۹۶)، الحاح (۱۱۲)، قبیح (۱۱۴)، حرون (۱۶۶)، تهور (۱۸۶)، تجبر (۱۸۶)، انحراف (۲۴۰)، فریق، صحیفه (۲۵۰).
انواع «ی»: انواع «ی» در ساخت کلمات شعر املا وجود دارد، اما «ی» نکره دارای بیشترین بسامد است؛ در مجموع بسامد این پسوند در اشعار او زیاد نیست.
 نکره:

به این دولت تمام عمر خود بیمار خواهم شد (۱۴۱)	<u>مسیح‌خصلتی</u> گر بر سر بالین من آید
به جای میوه نخل مدعای من شرر بسته (۳۸۲)	ز بس آتش‌مزاجم از خیال روی <u>گلروبی</u>
ز کار عشق از کار جهان بیکار خواهم شد (۱۴۱)	مصدرساز: نشستم بر سر بازار <u>رسوایی</u> ندانستم
سهل باشد به <u>طلبکاری</u> اکسیر شود (۱۴۵)	هر که رخسار تو بیند به گلستان نرود وحدت:
به هر <u>گامی</u> به این وادی دو صد شیر ژبان دارد (۱۴۲)	طریق عشق مه‌رویایان خطرها بیکران دارد در عمر خویش خاطر <u>جمعی</u> ندیده‌ای نسبت:
آشفتۀ دو زلف چلیپای کیستی؟ (۴۰۸)	
بجز جانان کسی این درد <u>پنهانی</u> نمیداند (۱۵۳)	نسازم فاش با خلق جهان دردی که من دارم

نباشد حاصلم از عشق جانان غیر حیرانی
انواع را: انواع «را» در زبان شعری املا مشاهده میشود اما بسامد «را»ی مفعولی چندین برابر است و بعد از آن «را» به معنی «برای» بسامد بیشتری دارد.
 در معنی «برای»:

طاعت خالص تو را نخل محبت میشود (۱۵۹)	عشق شورانگیز داری در عبادت سعی کن
فارغ ز فکر گیتی و از آب و دانه بود (۱۶۰)	دل از نخست تیر غمت را نشانه بود نقشنمای مفعول:
سوخت چندان که یک برگ خزان من نماند (۱۶۳)	آتش عشق بتان نخل گلستان مرا فک اضافه:
پیشتر املا بکن زین منزل و مأوا وداع (۲۳۹)	میشود آخر تو را این منزل و مأوا خراب گاه نیز وجود آن زائد است:
بعد از این بگذشت عمرم در <u>پشیمانی</u> مرا (۵۷)	یک نظر کردم به اغیار و دلم افسرده شد

فعل پیشوندی: بسامد افعال پیشوندی در زبان املا کمتر از افعال ساده و مرکب است. نمونه‌هایی از آن: فروگرفتن (۹۵)، برداشتن (۱۳۸)، برخاستن (۱۹۱)، فروافکندن (۱۹۴)، درآوردن (۲۰۹)، فرورفتن (۴۱).

فعل دعایی: افعال دعایی در دیوان املا به سه شکل بکار رفته است: باد، مباد، بادا:

در زیر چرخ هیچکسی را بسان من
 دل جلوه‌گاه قامت سرو یگانه باد
 خاک بادا سر آن کس که به سودای تو نیست
 معشوق بی عنایت پرشور و شر مباد (۱۴۶)
 جانم فدای دلبر شیرین‌ترانه باد (۱۶۵)
 باد صرف رخ جانان دو جهانم آخر (۱۷۹)

فعل امر: فعل امر در دیوان املا به سه شکل بکار رفته است: بدون «ب»، با «ب»، با «می»:

میرسد ابر کرم از بهر رحمت صبح و شام
 املا خیال شمع رخ یار آرزوست
 تنپرووری به مذهب عاشق غلط که هست
بنشین به دیر پیر مغان موسم بهار
 زود در میکده عشق برو باده بنوش
 هر شام و سحر در طلب یار وفادار
 مرید عشق گشتی خاک زن بر دیده راحت
 تخم نیکو کار ای دهقان ز باران غم مخور (۱۷۴)
 سر نه به صدق بر در میخانه در بهار (۱۷۸)
 دل را بسوز چون پر پروانه در بهار (۱۸۰)
 می نوش و غم مخور ز جفاهای روزگار (۱۸۱)
 میشود پست تو را هر نفسی پایه عمر (۱۸۳)
میزن سر خود بر در و دیوار به نوروز (۱۹۸)
 همیشه همنفس با نکهت باد صبا میباش (۲۱۵)

«با»ی تأکید: این جزء صرفی پیش از فعل ماضی در شعر املا بیش از یک بار مشاهده نشد؛ در مجموع نشانه‌های زبان کهن فارسی در کلام او اندک است:

رفتم به خرابات به رندان بنشستیم
 شرف فاش به این انجمن افسانه‌ام امروز (۱۹۱)
کاربرد فعل دوم (تابع) بصورت مصدر یا مصدر مرخم (هر دو):
 به قلم رسی کی کشف حقایق میتوان کردن
 به حل این معما نکته بیگانه پیدا کن (۳۲۴)

تقدیر کشد تیغ چه تدبیر توان کرد
عدم تطابق فعل و فاعل: بنظر میرسد به علت غیرایرانی بودن املاهای بخارایی، برخی اشکالات دستوری در شعر او وجود دارد که یکی از آنها عدم مطابقت فعل و فاعل در شمار است که گاه اتفاق افتاده است:

آنکه ساید رخ خود را به سر کوی بتان
 هر که دنیای دنی را به تفاخر طلبید
 به باغ جلوه‌گر آبی سمند ناز سوار
 دارد به کنج میکده رندان باده نوش
 آرزوی هوس تخت سلی مان نکند (۱۶۲)
 بر دل خویش عجب جور و جفا میطلبند (۱۷۰)
 به خاک پای سمند تو شه سواران است (۸۹)
 از زاهدان خشک به این کارخانه ننگ (۲۵۶)

تطابق صفت و موصوف: در موارد انگشت‌شماری نیز، موصوف و صفت در شمار هماهنگ هستند:

ثواب توبه و تقوی قدح نوغمان چه میدانند
 شمار سبحه را از زاهدان خامکاران پرس (۲۰۲)

سطح ادبی

بررسی غزلیات املاهای بخاری نشان میدهد فنون بلاغی بخوبی در آن بکار گرفته شده‌اند. هنر شاعری او باعث شده است صناعات بلاغی در شعر او تصنعی و ساختگی بنظر نیاید. از میان فنون بیانی، «تشبیه» و «استعاره» و از میان

فنون بدیعی، «جناس» و «تضمین» پرکاربردترین شگردهای ادبی در کلام او هستند. در ادامه به نمونه‌هایی از انواع صنایع ادبی در اشعار او اشاره میشود.

صنایع بیانی

تشبیه: از جمله آرایه‌های پرسامد در دیوان املای بخاری، آرایه تشبیه است. شاعر تقریباً از انواع تشبیه در اشعار خویش سود جسته است. در اکثر تشبیهات هر دو طرف حسی هستند:

املا چو نی به ناله ادا ساز راز خویش	شاید که یار گوش کند گفتگوی ما (۱۸)
همچو بسمل از غمت در خاک و خون افتاده‌ام	تا شده عشق تو ای مه پیشه اطوار ما (۲۰)
سری دارم چو گوی افتاده املا در ره جانان	ز چوگان قضا پایم فرورفته است در گله‌ها (۴۱)

تشبیه مفروق:

زلفت ظلمات است، رخت آب حیات است	چشم تو بلای دل و لب شاخ نبات است (۹۱)
تشبیه مرسل مفصل:	
بسان صید وحشت‌دیده هر سو میروم حیران	فراش و بستر خود ساختم خار مغیلان را (۵۴)
بیگانه‌ام ز صبر و سکون همچو گردباد	تا عشق کرده با غم خود آشنا مرا (۵۶)

تشبیه مرکب:

بی محبت به طلب رنج عبادت چه کشی	این روش همچو طعامی است که خالی ز نمک (۲۵۶)
تشبیه تفضیل مضمَر:	
پس‌رده از چهره برانداخت یکی جلوه نمود	خبر از خستگی لات و مناتم دادند (۱۳۱)
هر گروهی که تو را دید به چشم دل خویش	التفاتی به گل روضه رضوان نکنند (۱۶۲)

تشبیه بلیغ: این نوع تشبیه، پرکاربردین نوع در اشعار املای بخارایی است که در آن غالباً مشبه عقلی و مشبه به حسی است:

تا ابر کرم سایه‌فکن شد به سر ما	با حاصل فردوس ستیزد ثمر ما (۱۹)
گردباد دشت حیرت در بیابان طلب	هیبت مجنون سرگردان بیجاگرد ما (۳۵)
در خیابان محبت در بیابان بلا	غیر مجنون نیست یک حیران ولی همدرد ما (۳۵)
نباشد ذره‌ای محروم از خورشید رخسارت	بود پر از متاع حسن تو شهر و بیابانها (۴۰)

دیگر موارد: توسن ایام (۳۶)، سمند ناز (۳۷)، قلم فخر (۴۰)، بیشه حیرت (همانجا)، شهباز عشق (همانجا)، شجر انتظار (۴۲)، گرداب حیرت، نخل جان (۴۴)، بحر حیرت (۴۵)، شمع رخ (۴۵)، نهال آرزو (۴۶)، کلک قضا (۵۱)، تخم سعادت (۵۳)، گلشن ایام (۵۴)، موج بلا (۵۵)، دبستان جنون (۵۶)، غنچه مقصد (۶۷)، گلزار دهر (۶۸)، لشکر غم (۷۳)، باغ مراد (۷۸)، زنجیر محبت (۸۱)، ماهی مقصود (۱۰۶)، طوفان انتظار (۱۳۳)، سمند نفس (۲۱۱)، دریای محبت (۲۱۶)، خرمن عشق (۲۲۴)، آسمان دل (۲۵۹).

استعاره: بسامد استعاره مصرحه در اشعار این شاعر بیش از استعاره مکنیه و تبعیه است. در استعارات او خلاقیت و تازگی خاصی دیده نمیشود:
مصرحه:

بلبل قسم خورد به شیرنگ و بوی ما (۴)
خیال عارضت شیرازۀ اوراق عنوانها (۳۸)
پردلی باید نگه دارد عنان آه را (۳۹)
سودای او ز لعل بدخشان گذشته است (۷۲)
بر گردنت ز رشته سنبل طناب نیست (۸۴)
چون زاهدان فسرده به این خاکدان مباش (۲۰۶)

ای ماه جور پیشه نظر کن سوی ما
بود نام تو ای سرو روان طغرای دیوانها
ماه من مستانه آید جانب گلشن به ناز
تا دیده‌ام دو لعل سخنگوی یار را
آشفته نیستی به خط سبز گلرخان
املا به بزم حلقه روحانین نشین

اضافه استعاری (مکنیه):

اندیشه ساز پرسش روز حساب را (۴۳)
فاش کردم به جهان منصب شیدایی خویش

دست امل دراز مکن با شکست خلق
چاک کردم ز غمت جیب شکیبایی خویش

کنایه: اغلب کنایات در شعر املا از نوع ایما هستند:

براحت بشکند این دل محنت پرست ما (۲۶)
شدم همیشه مجنون شدم در کوچه‌ها رسوا (۲۸)
بیابانگرد کرده ناقه لیلی پناهان را (۳۹)
کمر بریندا! پردل باش! در پیش است مشکله (۴۲)

از آن وقتی که در سودای لیلی پا ز سر کردم
قدح بر کف نهادم پا نهادم بر سر سودا
به دامن پا کشیده سالها مجنون ز حیرانی
ادب از کف مده در وادی عشق پری‌رویان

اسلوب معادله: به دلیل نزدیکی زمانی شعر املا به سبک هندی، این آرایه در شعر او بسامد قابل توجهی دارد:

بر در خانه ناروخته مهمان مطلب (۵۹)
تار گیسوی بتان را شانه میداند که چیست (۹۷)
بی مغز دانه افکنی در آسیا چه سود (۱۳۰)
سنگ از تابش خور، لعل بدخشان نشود (۱۵۸)

دور کن از دل خود رنگ غبار هستی
کی بود نامحرمان را بهره از حسن بتان
بی معرفت به خلوت رندان گذر مکن
ناکس روز ازل کی به ادب کس گردد

صنایع بدیعی: انواع و اقسام صنایع بدیعی در اشعار املا حضور دارد و باید گفت یکی از ویژگیهای سبک ادبی او، تنوع کاربرد فنون بلاغی است. در ادامه به نمونه‌هایی از آنها اشاره میشود:

واج‌آرایی

خاکساری نشئه‌ای از همت مردانه است (۹۰)
افزون شود فسانۀ دیوانه در بهار (۱۷۹)

(س): سرکشی هر کس که سازد، سر دهد آخر به باد
(د): سر بر زند به یاد تو هر دانه در بهار

جناس: پرکاربردترین نوع جناس در کلام این شاعر، جناس مضارع اختلافی است.

جناس تام:

تا صفحه جمال تو را دیده دیده است
دل از طواف کعبه بطحا بریده است (۱۰۲)
غواص بحر عشقم بیحاصلم هنوز
افتاده تشنه لب به لب ساحلم هنوز (۱۹۵)

جناس ناقص اختلافی:

شراب ارغوانی خورده‌ام از ساقی باقی
نمیدانم ز حیرانی سراغ راه منزلها (۱)
بر سر راه بتان املا نشستم خوار و زار
یار شاید یک نظر سازد به رنگ زرد ما (۳۷)

نیز: جام و کام (۴۱)، دیر و پیر (۱۲۱)، نور و طور (۱۸۷)، سرد و درد (۳۲۵)، جفا و وفا (۳۰۴)، دین و کین (۳۱۶)، تمام و غمام (۳۱۹).

جناس ناقص افزایشی

چون نی ناله هر گه‌گه سر میکنم
جهان را پر از شور و شر میکنم (۲۹۲)
نیز: سر و سپر (۱۵۱)، دیار و یار (۸۰)، قوت و یاقوت (۲۵۳).

جناس اشتقاقی:

زاهد از زهد و ورع چاشنی‌ای دست نداد
زود برخیز بیا بر در میخانه من (۳۳۲)
جان به جانان دادم املا از کدورت فارغم
خاطر خود جمع دارد دشمن نامرد من (۳۱۰)

ایهام: بسامد این آرایه در شعر املای اندک است:

هنگام صبح دور کن از دیده خواب را
تعمیر ساز خانه چندین خراب را
خراب: ویران؛ مست
کی شود من به سر کوی بتان بنشینم
به لب خشک و دو چشم نگران بنشینم (۲۸۶)
نگران: ناراحت؛ در حال نگرستن
هرگز کسی قدم نهد در دکان ما (۴۳)
سودای عشق یار زد آتش به جان ما
معامله؛ عشق
علاج درد مرا نشئه مدام کند
به جام و ساغر من جرعه شراب انداز (۱۹۳)
همیشه؛ شراب

دیگر فنون بلاغی بدیعی:

تضاد (طباق)

تا شود آگه ز درد و محنت و درمان ما (۳۵)
به خود آرام کردم من دل وحشی‌نگاهان را (۳۶)
گاهی درون و گاه برون میکشد مرا (۴۴)
سودی به خلق عالم و با خود زین طلب (۶۵)
تو را بهار مرا موسم خزان آمد (۱۶۹)

کی شود آن ماه آتش‌وش شود مهمان ما
ز خود رفتم به خود بازآمدم از درد داغ عشق
املا شدم مشوش زلف پیروشان
ره یافتی به خلوت رندان باده‌نوش
ترحمی بنما با من ای گل نورس

اعداد (سیاقه الاعداد)

فارغ از توبه و تقوی و محبت شده‌ام (۲۷۴)
بگذشتم از همه به تمنای او شدم (۲۷۵)
میزند هر دم ره دین مسلمانی مرا (۵۶)

به سر کوی تو پامال ملامت شده‌ام
در سومنات و کعبه و میخانه صبح و شام
زلف مشکین و خط شبرنگ و خال هندویش

تنسیق الصفات

غضب‌آمیز و شورانگیز و بی‌باکانه می‌آید (۱۶۷)

قدح بر کف گرفته ماه من مستانه می‌آید

تکرار واژه

جان جدا می‌طلبد این دل دیوانه جدا (۲۲)
مرو مرو که چنین ره، ره سلامت نیست (۷۷)

تا شدم من ز تو ای گوهر یکدانه جدا
به هر کجا که سفر میکنی به غیر جنون

حسن تعلیل

از بسکه مست گشته ز بوی تو عندلیب (۶۸)
مجنون از این جهت به بیابان نشسته است (۹۳)

شب تا به صبح ناله و فریاد میکنند
شاید صدای ناقه لیلی رسد به گوش

پارادوکس

سبزه بیگانه را برکن ازین گلزار ما
دشمن کسی بود که نماید دواى ما (۴۰)
بغیر باده‌پرستی دگر عبادت چیست (۷۰)

غیر داغ عشق خود بر سینه‌ام مرهم منه
با درد عشق هر که دوا میکند خطاست
به کیش رند خراباتی سبوبردوش

تضمین: تضمین به شعر حافظ و آیات قرآن در شعر املا قابل توجه است:

لذت درد در این بادیه مجنون داند
از بار امانت قد افلاک شود خم^۱
کوه را طاقت انوار تجلی نبود^۲
نسبت عشق به هر بیسروپا نتوان کرد^۳ (۱۵۶)
عمری است که من میکشم این بار گران را (۳۷)
مستعد گردی به این غمگده، دیدار طلب (۶۴)

تلمیح: او بیش از هر کسی به منصور حلاج اشاره کرده است:

ز سودای محبت بر سر بازار خواهم شد
بسکه املا شده ام محو خراب رخ یار
چون روضه رضوان نفروشم به دو گندم
خود برده‌ای به ناز دل کوهکن ز جای
املا نکند آرزوی چشمه حیوان
یعقوب شد ز گریه ز چشمان خود جدا
چو منصور ملامتکش به پای دار خواهم شد (۱۴۰)
رشک مجنون برد هر لحظه به شیدایی ما (۴۴)
آماده کنم کرده کردار پدر را (۵۱)
اندر میانه جلوه شیرین بهانه است (۸۵)
تا بهره‌ور از نشئه در یای قدم شد (۱۲۴)
یا رب جدا پسر ز کنار پدر مباد (۱۴۷)

تجاهل العارف

کدامین شعله خود از خلوتم مستانه می‌آید
رمیده از دو چشم خونفشانم فکر خواب امشب (۶۰)

استثنای منقطع

آن دلبر خرگاهی آمد به سحرگاهی
بغیر عشق به این تیره خاکدان املا
با عاشقان کامل با سالکان پردل
جز دادن جان نبود دیگر هنرم امشب (۶۱)
هزار سال عبادت کنی عبادت نیست (۷۷)
زاد سفر به این قوم غیر از جگر حرام است (۹۹)

سطح فکری

در این سطح از سبک‌شناسی، افکار و اندیشه‌های مطرح در اثر ادبی در بوته نقد قرار می‌گیرد و اندیشه‌ها و افکاری که تشخص سبکی دارند بررسی می‌گردند. دیوان املای بخاری شامل مضامین غالب عاشقانه و عارفانه است. تقریباً جز این دو مضمون، اندیشه‌ای در اشعار او دیده نمی‌شود و خبری از اشعار سیاسی و اجتماعی و منتقدانه نیست. **مضامین عاشقانه:** عشقی که املای بخاری از آن دم میزند، درواقع عشقی معنوی و رها از جهان خاکی و درحقیقت عشق عرفانی است که بر عقل برتری دارد؛ گرچه معشوق او در ظاهر همان معشوق بیرحم و سنگدل و بیوفای مکتب عراقی است.

سالها تا نگدازی دل و جان ز آتش عشق
با عشق کوش کار دگر را حرام کن
چون زلیخا به حرم دلبر کنعان مطلب (۵۹)
از عشق ساخت ناقه لیلی عجب طرب (۶۷)

^۱ اشاره به آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب / ۷۲).

^۲ اشاره به آیه «...وَلَكِنْ أَنْظِرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنَّ اسْتَقْرَرَ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي...» (اعراف / ۱۴۳).

^۳ در دیوان حافظ چنین آمده است: نسبت دوست به هر بیسروپا نتوان کرد

در اندیشه عرفانی شاعر همچون مولانا، عقل و عشق در تقابل هستند و او معتقد است که «پای استدلالیان چوبین بود»:

عشق آمد و عqlم به پس پرده نهان شد
عقل همچون لاشه لنگ است در میدان عشق
عقل سرکش برو بندگی عشق بکن
حیرانیم افزود ز سودای تفکر (۱۸۵)
از که پرسم دوستان من منزل و مأوای او (۳۵۱)
طفل یک‌روزه‌ای زینهار مکن دانایی (۳۹۰)

عشق در کنار جذبه، دو نیروی محرک سالک در سیر الی الله و طی مقامات سلوک است. در اندیشه عارفانه املا عشق و جذبه عشق موج میزند؛ همان عشقی که گستره جهان هستی را دربر گرفته و بالاتر از هر مقام مادی است. سفر عشق کن املا رخ جانانه بجو
زینت سلطنت تخت سلیمان مطلب (۶۲)

املا انجام هر کاری را بدون عشق، عبث و بیهوده میبندارد و جوهر و سرشت هر کاری را در عشق جستجو میکند. این عشق با راحتی و تنعم همراه و همگام نیست و وجود عاشق را با غم و اندوه سرشته است:

طاعت بی عشق کردن عمر ضایع کردن است
میکنم از عشق با خود، عیش راحت را حرام
بی محبت یک نفس من کی عبادت میکنم
با غم و محنت به راه عشق عادت میکنم (۲۹۷)

عرفان: در طی قرون ششم تا هشتم هجری، فرقه‌هایی از تصوف در جهان اسلام بویژه در آسیای مرکزی شکل گرفتند که میتوان از مهمترین آنها به یسویه، کبرویه، و نقشبندیه اشاره نمود (زرین کوب، ۱۳۴۴: ۱۰۱). املائی بخارایی با اینکه در اصل از بلخ بوده، در بخارا رشد و نمو یافته است و در بخارا در طریقت کبرویه از همان آغاز راه، دو نوع طریقت را تجربه کرده است: یکی تصوف عاشقانه که بیشتر با وجد و حال و شوریدگی و سکر همراه است و دیگری که بر آداب، سنن، اوراد و اذکار تمرکز داشته است که همان مکتب علمی تصوف است. مهمترین آداب و آیین طریقت کبرویه عبارتند از: «تأکید بسیار بر شریعت و جدا ندانستن ظاهر و باطن، اهمیت آداب طریقت و ضرورت خرقة، ضرورت تبعیت مطلق از پیر، اهمیت خلوت و تلقین ذکر، اهمیت خاموشی و سکوت، نمادپردازی رنگ در شهود عارف، اجتماعی بودن طریقت کبرویه در عین تأکید بر خلوت و عزلت، و اهمیت سماع» (محمدزاده، ۱۳۸۹: ۷۱). از دید بخارایی نیز سیروسلوک عارفانه و وصول به حق بدون پیر امکانپذیر نخواهد بود:

سفر عشق بتان بی مدد پیر مکن
وادی عشق بتان طرفه خطرها دارد (۱۴۳)

خاموشی از جمله آداب صوفیه است. به قول عطار «چه گویم من که خاموشی جواب است» (دیوان اشعار عطار: ۱۲۱). بخارایی نیز به این امر توجه داشته و در دیوانش به آن اشاره کرده است:

مهر کن املا لب خود را خاموشی پیشه کن
آرزو داری خیال ماه کنعانی کنی (۳۹۹)

بخارایی نیز همچون دیگر عارفان، با نفس سرکش پیوسته در نبرد است و کوشیده آن را مهار کند. دوری از هواجس نفسانی و پیروی نکردن از آن، از مهمترین توصیه‌های طریقت متصوفه است:

گر نفس سرکشی کند و فتنه‌جو شود
در سایه سرادق روحانیان گذر (۱۳۷)

اشاره به آیات و احادیث: با توجه به نگرش عارفانه شاعر، وجود این موارد در شعر او بدیهی و مسلم است. به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود:

هر کس خمار، راه نیابد به روزگار
 وَاذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ (اعراف / ۱۷۲)

اگرچه غرق گناهم کجا املا
 شفیع محشر و محرم بود شه لولاک (۲۵۱)

اشاره به حدیث قدسی خطاب به پیامبر اکرم (ص): «یا أحمدا! لولاک لما خلقت الأفلک...»

تفکرات رندانه: بخش قابل توجهی از اشعار املا را مضامین رندانه و ملامتیه تشکیل میدهد که سنایی برای نخستین بار وارد شعر کرد. به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود:

ز زهد و توبه و تقوی کجا رسی زاهد
 بنوش باده اگرچه مه صیام بود (۱۷۱)
 دارد به کنج میکده رندان باده‌نوش
 از زاهدان خشک به این کارخانه ننگ (۲۵۶)
 نشین چون زاهدان بیمغز در غمخانه دنیا
 چو رند جان‌گذشته ساقی و پیمان‌پیدا کن (۳۲۳)

نتیجه‌گیری

بررسی دیوان غزلیات املائی بخاری نشان میدهد شعر وی از سادگی و روانی برخوردار است و اشعار وی ساده و همه‌فهم هستند و کمتر با پیچیدگی و تکلف همراه است. از لحاظ جنبه‌های هنری و فنی، شعر املا بسیار پخته و سنجیده است. شاعر مهارت خاصی در بکار بردن فنون بلاغی در اشعار خویش داشته و از صناعات بلاغی بدرستی بهره جسته است. شاعر به اعتبار قدرت تخیل و ذهنی و خلق ایماژهای فراوان از تبحر خاصی برخوردار بوده است. با اینکه شاعر از انواع آرایه‌های ادبی و صناعات بلاغی بهره برده، این مسئله باعث تکلف در شعر او نشده است؛ یعنی اشعار وی در عین آراسته شدن به فنون بلاغی و زیباییهای هنری، کاملاً قابل فهم هستند. از نظر زبانی، ویژگیهای زبان فارسی کهن در شعر او بسیار اندک است. همچنین او از لغات عربی ثقیل یا کم‌کاربرد بندرت استفاده کرده است؛ با وجود این ضعفهای دستوری (بویژه عدم تطابق فعل و فاعل) در شعر او اندک نیست و بنظر میرسد این امر از ایرانی نبودن او ناشی میشود. خلق ترکیبهای وصفی و اضافی بدیع، و کاربرد ردیفهای گوناگون و پرشمار، از دیگر ویژگیهای پرتکرار در سطح زبانی شعر اوست. در سطح ادبی، تشبیه و استعاره در بخش بیانی، و جناس و تضمین در بخش بدیع از پرکاربردترین صنایع بلاغی شعر او هستند. در مجموع فنون بلاغی در شعر او خلاقیت و تازگی خاصی ندارند و معمولاً همان تکرار گذشته است. از نظر فکری نیز عشق و عرفان دو مضمون غالب و یکه‌تاز در دیوان شعر بخاری است. مضامین رندانه و اشاره کما بیش زیاد به آیات و احادیث نیر از دیگر ویژگیهای شعر او در این سطح است. معشوق در شعر املا مانند اشعار حافظ چندوجهی است؛ هم میتواند زمینی و هم آسمانی باشد. در هر حال دارای ویژگیهایی چون بیرحمی، بیوفایی، سرکشی، و دور از دسترس بودن میباشد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج استخراج شده است. آقای دکتر جلیل نظری راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم طاهره صفوی‌نژاد بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر محمدرضا معصومی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

The Holy Quran

- Attar Neyshabouri, Farid al-Din. (1960). Attar Neyshabouri's poetry collection, edited by Sa'eed Nafisi, third edition, Tehran: Sanai Library.
- Eeyni, Sadr al-Din. (1926). Sample of Tajik Literature, with Introduction by Abolghasem Lahouti, Moscow: Central Publishing House of the USSR.
- Emla Bukharaei. (2011). Divan, by Habib Safarzadeh, Tehran: Al-Huda.
- Emla Bukharaei. (ND). Manuscript, Library of the Grand Ayatollah Golpayegani, registration number 155/15.
- Emla Bukharaei. (ND). Manuscript, Library of the Islamic Consultative Assembly, Registration No. 374450.
- Emla Bukharaei. (ND). Manuscript, misplaced.
- Hafez Shirazi, Shamsuddin Mohammad. (2021). Poetry Divan, edited by Mohammad Qazvini and Qasem Ghani, Tehran: Zavvar.
- Khorramshahi, Bahauddin. (2021). Hafezname, Volumes 1 and 2, Tehran: Scientific and Cultural.
- Mahmoudzadeh, Abedjan Beyk Nazar. (2017). Delay in Bukhara's spelling and life, *Jahanbebin Magazine*, (2) 1.
- Mohraram, Nematullah. (1975). Tazkereh al-Shoa'ra, Tajikistan: Doshanbe.

فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

- املای بخارایی (۱۳۹۰)، دیوان، به اهتمام حبیب صفرزاده، تهران: الهدی.
- املای بخارایی (بی‌تا)، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۳۷۴۴۵۰.
- املای بخارایی (بی‌تا)، نسخه خطی، کتابخانه آیت‌الله العظمی گلپایگانی، به شماره ثبت ۱۵۵/۱۵۵.
- املای بخارایی (بی‌تا)، نسخه خطی، بی‌جا.

حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد (۱۴۰۰) دیوان اشعار، به تصحیح عبدالغنی قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.
خرم‌شاهی، بهاء‌الدین (۱۴۰۰) حافظنامه، جلد ۱ و ۲، تهران: علمی و فرهنگی.
عطار نیشابوری، فریدالدین (۱۳۳۹) دیوان اشعار عطار نیشابوری، به تصحیح سعید نفیسی، چاپ سوم، تهران:
کتابخانه سنایی.
عینی، صدرالدین (۱۹۲۶)، نمونه ادبیات تاجیک، با مقدمه ابوالقاسم لاهوتی، مسکو: چاپخانه نشریات مرکزی اتحاد
 جماهیر شوروی سوسیالیستی.
محمودزاده، عابدجان بیک نظر (۱۳۹۶)، درنگی در زمانه و زندگی املای بخارایی، مجله جام جهان‌بین، (۲) ۱.
محترم، نعمت‌الله (۱۹۷۵)، تذکره الشعراء، تاجیکستان: دوشنبه.

معرفی نویسندگان

طاهره صفوی‌نژاد: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(Email: exynos1@gmail.com)

جلیل نظری: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران.

(نویسنده مسئول: (Email: J.nazari@iauyasooj.ac.ir)

محمد رضا معصومی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد یاسوج، دانشگاه آزاد اسلامی، یاسوج، ایران..

(Email: masomi2525@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Tahereh Safavinejad: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: exynos1@gmail.com)

Jalil Nazari: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: J.nazari@iauyasooj.ac.ir : Responsible author)

Mohammad Reza Masoumi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Yasouj Branch, Islamic Azad University, Yasouj, Iran.

(Email: masomi2525@gmail.com)